

تأملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های میان رشته ای علوم انسانی
در آموزش عالی ایران^۱

**A Review over the Policy Options for Development of
Interdisciplinary Programs in the Humanities in Iran**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۷/۲/۱۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۲۲

Dr. Mahmood Mehrmohammadi,
Dr. Nematollah Moosapour,
Dr. Amirhossein Kayzouri

دکتر محمود مهرمحمدی^۲، دکتر نعمت اله موسی پور^۳،

دکتر امیرحسین کیذوری^۴

Abstract: The present study aimed at identifying the policy options and strategies for developing interdisciplinary programs in Iran. Multiple methods were used, although the study was mainly qualitative and revolved around the focus group method. To this end, nine faculty members from universities and higher education institutions, who were experienced in teaching and conducting research projects, were selected through purposeful sampling. Data analysis was performed by qualitative content analysis method. To determine the validity of the data, two methods were used: member checking and review by non-participant experts. The research findings showed that nine policies could be developed for the enhancement of interdisciplinary programs based on the two factors, including the mixing rate that meant being multidisciplinary or interdisciplinary as well as the ecosystem of intercultural realization, i.e. Iran and the world. Also, 10 strategies and 18 executive strategies were recommended for the development of interdisciplinary programs in Iranian higher education system.

Keywords: Policy making; Interdisciplinary program; Strategy; Iran

چکیده: پژوهش حاضر با هدف شناسایی گزینه های سیاستی توسعه برنامه های میان رشته ای در ایران به انجام رسیده است. در این پژوهش از روش های چندگانه بهره برده شده است. در عین حال بخش عمده پژوهش از نوع کیفی و در آن از روش «گروه کانونی» استفاده شده است. به این منظور ۹ نفر از اعضای هیات علمی که در زمینه پژوهش دارای تجربه و فعالیت پژوهشی بودند از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده ها به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. برای تعیین اعتبار و روایی داده ها نیز از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که بر مبنای ۲ عامل «میزان آمیختگی» یعنی چند رشته ای یا میان رشته ای بودن و «زیست بوم» تحقق میان رشتگی یعنی ایران و جهان می توان ۹ سیاست را برای توسعه برنامه های میان رشته ای اتخاذ نمود. همچنین ۱۰ راهبرد و ۱۸ راهکار اجرایی برای توسعه برنامه های میان رشته ای در نظام آموزش عالی ایران توصیه شده است.

کلمات کلیدی: سیاستگذاری، برنامه میان رشته ای، ایران، راهبرد

۱- این مقاله حاصل بخشی از طرح پژوهشی است که به درخواست و هزینه معاونت علمی و پژوهشی (دفتر ممیزی توسعه علوم) معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به انجام رسیده است.

^۲ استاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

^۳ دانشیار دانشگاه فرهنگیان

^۴ استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول: akayzouri@hsu.ac.ir)

مقدمه

«وجود سیستم‌ها و پدیده‌های پیچیده، شرط لازم مطالعات میان‌رشته‌ای است» (نیوول، ۲۰۰۱). مطالعه روند تحولات زندگی بشر حاکی از جریان فزاینده «پیچیدگی» در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی و فناوری است. همینطور «تلقی دانش به مثابه یک نهاد و یا یک ساختار خطی، جای خود را به اصطلاحاتی چون: «شبکه» و «تارهای مشبک درهم تنیده» داده است. تصورات مربوط به برنامه درسی نیز به همین منوال دچار تغییر شده و تفرق و قطعه‌قطعه‌شدگی جای خود را به تلفیق، ارتباط، پیوند و خوشه‌بندی داده است» (کلاین، ۲۰۱۰). متنوع و پیچیده شدن حرف در محیط‌های بیرون دانشگاه، آشکار شدن پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی، انسانی، عینی و ... نشان می‌دهد که؛ «پدیده‌های امروزی با رشته‌های مجزا، درک شدنی نیست و دانشگاه با شیوه سنتی (یعنی دانشگاهی که برحسب دانشکده، گروه و رشته‌های خاص طراحی شده باشد)، ناسازگار است» (یمنی، ۱۳۸۸). نابسندگی «رشته‌ای» بودن به واسطه ناتوانی آن در پاسخگویی به مسائل پیچیده در اواخر قرن بیستم آشکار شد (کلاین، ۲۰۱۰) و دیدگاه رقیب آن با نام «میان‌رشتگی» پای در عرصه نهاد. گرچه تاریخ حیات بشر مواردی از میان‌رشتگی را پیش از این تجربه کرده بود، اما ظهور مجدد آن با بازسازی دیدگاه‌ها، روش‌ها و رویکردها همراه شد. بنیاد میان‌رشتگی بر آمیختگی رشته‌های منفک برای پاسخگویی به مسأله‌های اجتماعی و معرفتی پیچیده است. این موضوع واقعیتی است که در زیست‌بوم‌های مختلف و در عرصه‌های گوناگون مطرح می‌شود، که زیست‌بوم ایران و عرصه علوم انسانی نیز می‌توانست از آن خالی باشد. همین بود که به این پرسش انجامید: چه ظرفیت‌هایی برای توسعه میان‌رشته‌ای‌های علوم انسانی در آموزش عالی ایران موجود است؟ در ایران، گرچه توجه به طراحی برنامه‌های میان‌رشته‌ای با توجه به الزام بند «د» ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۳-۸۸) و همچنین بند «ب» ماده ۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر «بازنگری در رشته‌های دانشگاهی بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی در راستای توسعه علوم میان‌رشته‌ای» (سند قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹) در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما، الگوی مناسبی برای توسعه این نوع برنامه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. تلاش‌های صورت گرفته نیز با ابهامات نظری، مفهومی و روش‌شناختی بسیاری در خصوص نحوه شکل‌گیری آن مواجه شده است (کیدوری و علم‌الهدی، ۱۳۸۸). بطوریکه برخی از رشته‌های نوظهور که تحت عنوان میان‌رشته‌ای متولد شده‌اند فاقد ویژگی‌های میان‌رشته‌ای، با هویت مستقل و برخوردار از پشتوانه پژوهشی و ساختاری مورد نیاز بوده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). لذا با توجه به اینکه میان‌رشتگی و توسعه آن در رشد

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

کیفی و معرفتی علوم انسانی و همسوسازی آن با نیازهای اجتماعی موثر است، دست نیافتن به این هدف، هدر رفتن منابع اقتصادی و زوال اعتماد به نفس و تزلزل شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران و دانش آموختگان علوم انسانی را در پی خواهد داشت. و آنچه که از علوم انسانی به عنوان علوم تمدن ساز و ظرفیت ساز در حل مسائل اجتماعی انتظار داریم تحقق نخواهد یافت. توجه به این واقعیت، نیاز به حل این مسئله و به تبع آن ارتقاء وضعیت علوم انسانی، سیاستگذاران آموزش عالی را به سمت اتخاذ سیاست های متنوع، از جمله؛ «توسعه مطالعات میان رشته ای» سوق داده است. به این منظور هدف کلی پژوهش حاضر بررسی گزینه های سیاستی و راهبردهای توسعه برنامه های میان رشته ای در نظام آموزش عالی ایران است. و برای رسیدن به این هدف کلی اهداف ویژه زیر مد نظر قرار گرفته است:

۱- گزینه های سیاستی توسعه برنامه های میان رشته ای در ایران کدام است؟

۲- راهبردهای توسعه برنامه های میان رشته ای در ایران کدام است؟

۳- چه راهکارهایی را می توان برای توسعه برنامه های میان رشته ای در ایران مدنظر

قرار داد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعات میان رشته ای^۱ فرایند پاسخ دهی به سوالات، حل مسئله و یا بررسی موضوعی است که گسترده تر یا پیچیده تر از آنست که بتوان با استفاده از یک رشته یا تخصص بدان پرداخت (کلاین و نیوویل، ۱۹۹۷). همچنین، مطالعات میان رشته ای را تلفیق محتوا، داده ها، روش ها، ابزارها، مفاهیم و تئوری های مربوط به دو یا چند رشته علمی یا مجموعه ای از دانش های تخصصی به منظور ارتقاء فهم اساسی، پاسخ به پرسش های پیچیده و حل مسائلی که آنقدر گسترده یا پیچیده اند که حل آن ها از عهده یک رویکرد واحد، خارج است، نیز تعریف کرده اند (علوی پور، ۱۳۸۷). علیرغم اینکه میان رشته ای گرایی در آموزش عالی از جمله پیچیده ترین مباحث نظری محسوب می شود، اما ظرفیت ها، ابعاد و زوایای آن در جامعه علمی و بویژه نظام آموزش عالی به نکویی مورد مذاقه قرار نگرفته است. «میان رشته ای^۲ یا میان رشته گی^۳» دارای دو سطح کاربرد شده است: از سویی اصطلاحی برای همه فعالیت های مربوط به آمیختن دیسپلین ها در آموزش و برنامه درسی یا مطالعات مساله محور و از سوی دیگر اصطلاحی برای نوع خاصی از آمیختن دیسپلین ها در آموزش و برنامه درسی یا مطالعات مساله محور. یعنی میان رشته گی یک مفهوم به اصطلاح ژنریک شده و تعبیر عامی است که برای گونه های مختلف

1 Interdisciplinary studies (IDS)

2 Interdisciplinary

3 Interdisciplinarity

درهم آمیختن و پیوند برقرار کردن میان دیسیپلین‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضمن اینکه خود یک گونه خاص در کنار گونه‌های دیگر اقدام به آمیختن دیسیپلین‌ها است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های میان رشته‌ای همچون سایر نقاط جهان، در دانشگاه‌های آمریکا و کانادا نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. بطوریکه، دانشگاه بریتیش کلمبیا در کانادا از ابتدای تاسیس در سال ۱۹۴۹ به مقوله میان رشته‌ای توجه کرده است و اقدام به تاسیس یک واحد تحقیقاتی میان رشته‌ای نموده و به مرور زمان گروه‌های آموزشی و برنامه‌های درسی مختلفی با ماهیت میان رشته‌ای در این دانشگاه راه اندازی شده است. در آمریکا نیز توجه به مطالعات میان رشته‌ای منجر به تاسیس «موسسه مطالعات تلفیقی یا میان رشته‌ای»^۱ شده که تئوری پردازان مطرحی در آن به فعالیت می‌پردازند. اما آنچه که موجب تحولاتی در مقوله میان رشته‌ای شد و جلوه‌های متفاوت آنرا نشان داد، تاسیس دانشکده مطالعات میان رشته‌ای در دانشگاه میامی در ایالت اوهایو به سال ۱۹۷۴ بود (نیوول، ۱۹۹۴ به نقل از کلاین^۲ و نیوول، ۱۹۹۷).

برنامه‌های میان رشته‌ای مخالفانی نیز دارد که توفیق آنرا مورد تردید قرار داده‌اند عمدتاً بحث ناموفق بودن میان رشته‌ای‌ها در سطح کارشناسی مطرح بوده است (آگزبورگ و هنری، ۲۰۰۹). کلاین (۱۹۹۰) خاطر نشان می‌کند که در اواخر دهه ۱۹۷۰ نوعی افول تلاش‌های میان رشته‌ای را همزمان با بازگشت به اشکال بیشتر متمرکز رشته‌گرایی در آموزش شاهد بودیم. او این پدیده را شکستی برای برنامه‌های میان رشته‌ای قلمداد می‌کند که ناشی از محدودیت‌های نهادی و موانع روشی و رشته‌ای بوده که گام‌های میان رشته‌ای را متوقف کرده بودند و پیشنهاد می‌کند که آموزش میان رشته‌ای در برنامه درسی و طرح‌های مطالعاتی مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. از تجربه کشورهای توسعه یافته (که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود) می‌توان چنین نتیجه گرفت که؛ توسعه میان رشته‌ای‌ها در سطح تحصیلات تکمیلی باید در اولویت قرار داشته باشد. توضیح بیشتر اینکه در سطح کارشناسی میان رشته‌ای موضوعیت خود را از دست نمی‌دهد بلکه در قالب واحد درسی و حداکثر گرایش می‌تواند بروز و ظهور معناداری داشته باشد. تحلیل و تبیین وضعیت میان رشته‌ای‌ها در کشورهای پیشرفته از منظر قدرت و سیاست نیز قابل توجه است. از این منظر به نظر می‌رسد آینده میان رشته‌ای‌ها در آموزش عالی را نمی‌توان آینده هموار و فارغ از تنش تصور کرد. توسعه میان رشته‌ای‌ها اساساً با مقوله «تغییر» سرکار دارد. به دیگر سخن توسعه میان رشته‌ای‌ها ناظر به نوعی تغییر در ساختار و فرهنگ رشته‌ای حاکم بر دانشگاه‌هاست. در واقع ورود به این عرصه و حمایت از آن به طور طبیعی می‌تواند با مفهوم یا مقوله‌ای مواجه شود که باگفتمان تغییر عجین شده

1 Association for Integrative Studies

2 Klein

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

است. این بدان خاطر است که رواج گفتمان میان رشته ای قدرت و هژمونی که هم اکنون گفتمان دیسیپلین محوری از آن برخوردار است را به مخاطره می اندازد و تداوم اقتدار افراد و گروه های متعلق به حوزه های دیسیپلینی را زیر سوال می برد. برنامه های میان رشته ای امکانات مادی و انسانی را از دیسیپلین منتزع می کند و بدین ترتیب فرهنگ و گفتمان دیسیپلینی را به چالش می کشند (زوستاک؛ ۲۰۰۹ و ۲۰۰۳). تعطیل شدن برخی از برنامه های میان رشته ای را باید معلول همین عامل یعنی مقاومت اصحاب دیسیپلین ها دانست.

شناخت وضعیت میان رشته ای ها در دانشگاه ها و کشورهای مختلف حاوی اطلاعات ارزنده ای است که در ادامه به معرفی برخی از آنها پرداخته شده است.

دانشگاه آکسفورد و اهتمام به میان رشته ای ها با تکیه بر ظرف تشکیلاتی «بخش»؛^۱ دانشگاه آکسفورد برای تسهیل حرکت به سمت توسعه آموزش و پژوهش میان رشته ای از حدود ۱۲ سال پیش به بازسازی تشکیلات خود پرداخته و تشکیلات بخشی را نهادینه ساخته است.^۲ چهار بخش علوم انسانی،^۴ علوم اجتماعی،^۵ علوم پزشکی^۶ و بالاخره بخش علوم ریاضی، علوم مادی و حیاتی^۷ کل تشکیلات دانشگاه را در لایه نخست معرفی می کند. از میان بخش های چهارگانه گرایش های رشته ای در بخش علوم اجتماعی بسیار پایدارتر و قدرتمند تر ارزیابی شده که جای تامل است. با این حال بعضی از دانشکده ها یا دپارتمان هائی که به تازگی در این بخش تاسیس شده اند کاملاً ماهیت میان رشته ای دارند. دپارتمان هائی مانند تعلیم و تربیت، توسعه بین الملل، دانشکده تجارت. گرچه هنوز داده هایی در اختیار نیست تا مشخص نماید این چرخش تشکیلاتی و هدفی که در پس آن وجود داشته تا چه اندازه اثر بخش بوده است، اما نفس این چرخش تأییدی است بر تشخیص این ضرورت از سوی تامین کنندگان منابع مالی دانشگاه که برنامه هایی میان رشته ای با تقاضای درخور توجهی مواجه هستند.

1 Szostak

2 division

۳- تشکیلات «بخشی» بر مبنای تحلیل پروفیسور دیوید میلز (David Mills)، رئیس دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه آکسفورد و عضو هیات علمی دپارتمان تعلیم و تربیت تدوین شده است. ارتباط با ایشان با واسطه آقای دکتر ابراهیم طلائی دانش آموخته آکسفورد و عضو کنونی گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس انجام پذیرفته است.

4 Humanities

5 Social Sciences

6 Medical Sciences

7 Mathematical, Physical and Life Sciences

در بخش علوم اجتماعی همچنین دانشکده ای بوجود آمده است که در عنوان آن از لفظ میان رشته ای استفاده شده است. نام این دانشکده «مطالعات میان رشته ای منطقه ای»^۱ است. این دانشکده یکی از اجزاء ۱۴ گانه بخش علوم اجتماعی است و هم اکنون ۹ برنامه آموزشی در سطوح فوق لیسانس (یک ساله) و ام فیل (دوساله) در آن به اجرا گذاشته می شود. در اسناد مربوط به این دانشکده آمده است که «به مطالعه و فهم پیچیدگی ها و در هم تنیدگی روابط متقابل جاری در جوامع با مراجعه به دیسپلین های مردم شناسی، اقتصاد، سیاست، تاریخ، جامعه شناسی و فرهنگ متعهد است».

دانشگاه یو اس ام (USM)^۲ مالزی و اتخاذ راهبرد اختصاصا میان رشته ای: این دانشگاه که دومین دانشگاه مالزی از نظر قدمت است، در سال ۱۹۶۹ تاسیس شده و ابتدا با نام دانشگاه پنانگ^۳ شناخته می شد. این دانشگاه که البته دانشگاهی جامع به حساب نیامده و تنها رشته های علوم پایه را پوشش می دهد تجربه ای موفق را در حوزه تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز برنامه توسعه مالزی به ثبت رسانده و این موفقیت در درجه نخست مرهون انتخاب راهبرد میان رشته ای در آموزش و پژوهش است. یو اس ام با ثبت نام از ۵۷ دانشجو با پایه علوم تجربی کار خود را آغاز نموده و اکنون پذیرای بیش از ۲۰۰۰۰ دانشجو است. در بیانیه رسمی دانشگاه در خصوص جهت گیری میان رشته ای آن آمده است که «دانشگاه از آغاز سیستم دانشکده ای^۴ را به جای سیستم سنتی دپارتمانی^۵ به اجرا گذاشته است. آنچه این سیستم را متمایز می سازد آن است که هر دانشکده قادر است به نیاز رشته های مشخص تر (غیر متعارف) در آن حوزه دانش پاسخ دهد و هم زمان دانشجویان نیز از فرصت کاوش در سایر حوزه های مطالعاتی که توسط دانشکده دیگری ارائه می شود برخوردار می شوند. رویکرد میان رشته ای تضمین می نماید یو اس ام به عنوان نخستین دانشگاهی که این سیستم را انتخاب کرده است دانش آموختگانی را تربیت کند که دارای قابلیت های چندگانه هستند».

جایگاه میان رشته ای ها در آموزش عالی هندوستان؟ «سیاست ملی تعلیم و تربیت»^۶ سال ۱۹۸۶ به عنوان یک قانون به تصویب پارلمان هند رسیده است. در این قانون به صراحت

1 School of Interdisciplinary Area Studies

2 University Science Malaysia

3 Penang

4 School system

5 Faculty system

۲- وضعیت آموزش عالی هندوستان در حوزه میان رشته ای ها بر اساس منابع و اطلاعات ارسالی از سوی پرفسور محمد اختر صدیقی، استاد تعلیم و تربیت Jamia Millia Islamia Central University به رشته تحریر درآمده است که اختصاصا برای بهره برداری در این مطالعه تدوین و ارسال شده بود.

7 National Policy on Education (NPE)

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

قید شده است که برنامه های درسی دانشگاه ها پاسخگوی نیازهای زمان نیستند. برنامه های عمل نیز صراحتاً از تدوین و اجرای برنامه های درسی میان رشته ای و همچنین برنامه های درسی و رشته های دارای تعامل با بخش اشتغال، به عنوان یکی از ماموریت های این نهاد ها (از میان ۴ ماموریت) نام برده است. نهاد صاحب قدرت دیگری که در نظام آموزش عالی هندوستان ایفای نقش می نماید «کمسیون دولتی تخصیص گرت»^۲ به دانشگاه هاست. این کمسیون نیز برای تحقق اهداف یادشده در قانون و به ویژه ایجاد تحول در برنامه های درسی و همچنین پژوهش های دانشگاهی با گرایش میان رشته ای از نهاد های "مستقل" آموزش عالی خواسته است تا در تشکیلات سازمانی خود مراکزی را برای پشتیبانی از برنامه ها و پژوهش های میان رشته ای تعبیه نمایند. بررسی های به عمل آمده نشان داد که این اتفاق به ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در سطح مطلوبی به وقوع نپیوسته است. در نتیجه برنامه یازدهم توسعه کشور (۲۰۱۱-۲۰۰۷) فرصت دیگری را در اختیار این کمسیون قرار داد تا با قدرت قانونی بیشتری تاسیس چنین مرکزی را مطالبه نماید. در قانون برنامه یازدهم توسعه، تاسیس ۲۵ مرکز در نهاد های آموزشی برگزیده و منتخب پیش بینی شده بود که تا کنون تنها ۱۲ مرکز راه اندازی شده اند. کارگروه مسئول بخش آموزش عالی برای برنامه دوازدهم توسعه هندوستان نیز کماکان بر تقویت ماموریت میان رشته ای دانشگاه ها در حوزه پژوهش و آموزش، در کنار ماموریت رشته ای، تاکید نموده است.

موفق ترین نهاد آموزش عالی در این زمینه دانشگاه جواهر لعل نهرو معرفی شده است که از بدو تاسیس نیز جهت گیری میان رشته ای چه در حوزه علوم پایه و چه در حوزه علوم اجتماعی داشته است. برای نمونه از «مرکز علوم زیستی»^۳ و «مرکز مطالعات توسعه منطقه ای»^۴ این دانشگاه می توان نام برد که عملکرد ممتازی در زمینه گسترش دامنه فعالیت های میان رشته ای داشته اند.

چارچوب نظری پژوهش

سیاستگذاری برنامه های میان رشته ای در نظام آموزش عالی نیازمند مدل مناسبی است که بر اساس آن بتوان نسبت به فهم، ایجاد، استحکام و تداوم این نوع برنامه ها به تصمیم گیری پرداخت. بررسی تجارب مربوط نشان می دهد که میان رشته ای ها دارای «تحولات» ی هستند؛ که فرایند رشد آنها را نشان می دهد و دارای «بستر» هایی هستند؛ که زمینه علمی شکل گیری و تحول آنها را آشکار می کند. این دو عامل گرچه عوامل انحصاری محسوب نمی شوند، اما عواملی بسیار تعیین کننده برای ظرفیت شناسی و سیاستگذاری توسعه میان رشته ای ها در ایران

1 interface

2 National Grant Commission (NPG)

3 Center for Life Sciences

4 Center for Studies in Regional Development

می‌باشند. براین اساس، دو عامل در این چارچوب مورد نظر است: اول عامل «تحول» و دوم عامل «موقعیت» (مهرمحمدی، موسی پور و کیذوری، ۱۳۹۱). بر اساس عامل «تحول» ، دو گونه اساسی میان‌رشته‌ای مورد توجه قرار گرفته است و آن تمایز قائل شده بین برنامه‌های چندرشته‌ای (تجمیعی) و برنامه‌های میان‌رشته‌ای (تلفیقی) است. برنامه‌های چندرشته‌ای شامل: مجموعه‌هایی است که دانش‌های سازمان یافته مستقل را برای بررسی مساله‌های خاص بکار گرفته و تحت عنوان تازه‌ای - که معمولا ترکیبی از نام دو یا چند دانش شریک در بررسی مساله هستند - فعالیت می‌کنند.

اما، برنامه‌های میان‌رشته‌ای شامل: مجموعه‌ای از دانش است که تمامی ویژگیهای یک رشته را دارد اما آبشخور آن برگرفته از رشته‌های مختلف است که بطور استناده‌ای با هم تلفیق شده‌اند. در واقع دارای هویت و دانش انباشته شده‌اند که فرآیند لازم را برای تبدیل شدن به یک رشته با دیرینه مشخص طی نموده‌اند. برنامه‌های میان‌رشته‌ای به دنبال پاسخگویی به نیازهای معرفتی هم هستند؛ هرچند که پاسخگویی به نیازهای اجتماعی همچنان در آنها مطرح است (مهرمحمدی، ۱۳۸۸).

بر اساس عامل «موقعیت»، زمینه اجرای برنامه‌های میان‌رشته‌ای مطرح می‌شود و این زمینه در دو سطح ملی - بومی (ایرانی) و جهانی (بین‌المللی) مورد نظر است. آنچه در زمینه‌های ملی - بومی قابل طرح است، ویژه ایران محسوب می‌شود؛ هرچند که در بررسی مساله میان‌رشته‌ای‌ها ممکن است ایران نیز با احتیاط بتواند به‌عنوان یک موقعیت مطرح باشد. با وجود این، تمایزهای فراوانی را می‌توان بین موقعیت ایران و سایر کشورها قائل شد. آنچه به لحاظ تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و سیاسی در کشورهای مختلف قابل شناسایی است، به‌طور بارزی آنها را متفاوت می‌سازد. به‌همین دلیل است که از سویی ممکن است رشته‌ها، چندرشته‌ها و میان‌رشته‌هایی در یک موقعیت ایجاد، استحکام و تعالی یابد ولی در موقعیت دیگر هیچگاه ظهور نیابد و یا در زمان دیگری تحقق یابد. با این نگاه به میان‌رشته‌ای‌ها، ممکن است همواره در یک موقعیت چیزی «ابداع» شده باشد که قابل «عرضه» است و یا ممکن است «نیازی» ادراک شده باشد که الزام برای «کسب» را شکل دهد. پس، بر اساس موقعیت می‌توان بین آنچه مربوط به ایران است (موقعیت ملی - بومی) با آنچه مربوط به خارج از ایران است (موقعیت جهانی - بین‌المللی)، تمایز گذاشت. از آنجا که در دنیای کنونی کشورهایی یافت می‌شوند که در عرصه‌هایی نقش پیشتازی دارند، در درجه نخست به علوم و شکل‌گیری آن با نگاه جهانی نگر بسته می‌شود و سپس وضعیت این علوم در زمینه آموزش عالی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. یک وضعیت دیگر نیز در هر یک از عوامل مورد نظر در این چارچوب قابل طرح است: «وضعیت فقدان (نبود)». وضعیت فقدان، چند رشته‌ای‌ها یا میان‌رشته‌ای‌هایی را

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

شامل می شود که در سطح ایران یا جهان و یا هر دو، شکل نگرفته و یا مغفول واقع شده اند(مهرمحمدی، موسی پور و کیزوری، ۱۳۹۱).

با شناسایی تعاملات عوامل اساسی چارچوب نظری پژوهش یعنی دو سطح میان رشته ای بودن(که با عناوین تجمیعی و تلفیقی معرفی شدند) و با در نظر گرفتن دو موقعیت ظهور میان رشته ای ها(که با عناوین موقعیت بومی و موقعیت بین المللی تفکیک شدند)، و وضعیت فقدان، ۹ گونه(شکل) متفاوت برنامه های میان رشته ای متبلور می شود(جدول ۱).

وضعیت اول: میان رشته ای در سطح بین المللی و در سطح ملی؛

وضعیت دوم: میان رشته ای در سطح بین المللی ولی چند رشته ای در سطح ملی؛

وضعیت سوم: میان رشته ای در سطح ملی ولی چند رشته ای در سطح بین المللی؛

وضعیت چهارم: چند رشته ای در سطح بین المللی و در سطح ملی؛

وضعیت پنجم: میان رشته ای هایی که در سطح بین المللی دایر و فعالند اما ایران فاقد آنهاست؛

وضعیت ششم: چند رشته ای هایی که در سطح بین المللی دایر و فعالند اما ایران فاقد آنهاست؛

وضعیت هفتم: میان رشته ای هایی که در ایران دایر و فعالند اما در سطح بین المللی سابقه ای ندارند؛

وضعیت هشتم: چند رشته ای هایی که در ایران دایر و فعالند اما در سطح بین المللی سابقه ای ندارند؛

وضعیت نهم: آنچه هنوز نه در سطح بین المللی و نه در سطح ایران، رخ ننموده یا در هر دو موقعیت مغفول واقع شده است.

عنایت به این موارد از حیث سیاستگذاری حایز ارزش فراوانی است.

جدول (۱) اشکال برنامه های میان رشته ای(مهرمحمدی، موسی پور و کیزوری، ۱۳۹۱)

جهان (بین المللی)			میان رشته ای(تلفیقی)	ایران (بومی)
فقدان	چند رشته ای(تجمیعی)	فقدان		
۷	۳	۱	میان رشته ای	
۸	۴	۲	چند رشته ای	
۹	۶	۵	فقدان	

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و در آن از روش «گروه کانونی»^۱ استفاده شده است. گروه کانونی روشی برای تبادل افکار و مذاکره است که طبق یک برنامه ریزی دقیق طراحی می شود تا ادراکات و بینش مصاحبه شوندگان را در محیطی به دور از تهدید و فشار بسنجد (کروگر، ۱۹۹۴). با استفاده از این روش پژوهشگر می تواند نظر (ذهنیت) مشترک افراد را نسبت به «پدیده» مورد بررسی نمایان کند (دریچسلین، ۱۹۹۹). مشارکت کنندگان، از بین اعضاء هیات علمی که در زمینه پژوهش دارای تجربه و فعالیت پژوهشی بودند انتخاب شدند. به این منظور پس از بررسی و جستجو در منابع علمی منتشر شده و سوابق فعالیت های میان رشته ای، مصاحبه گروه کانونی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و با شرکت ۹ نفر از مطلعین کلیدی دانشگاه های کشور، در مدت ۵ ساعت به انجام رسید. در جدول ۲ مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش مشخص شده است.

جدول (۲) ویژگیهای شرکت کنندگان در پژوهش

ردیف	محل خدمت	رتبه علمی	جنسیت
۱	دانشگاه تهران	دانشیار	مرد
۲	دانشگاه اصفهان	استاد	مرد
۳	دفتر منطقه ای ایسسکو- تهران	دانشیار	مرد
۴	موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی	استادیار	مرد
۵	موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی	دانشیار	مرد
۶	موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی	استادیار	مرد
۷	انجمن آثار مفاخر	استادیار	مرد
۸	دانشگاه تهران	استادیار	مرد
۹	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	استادیار	مرد

پیاده سازی رونوشت مصاحبه و تحلیل مصاحبه ها تماما توسط پژوهشگران به انجام رسید. برای جمع آوری داده ها ابتدا متنی به هنگام دعوت برای معرفی طرح و طرح مباحث و ایجاد آمادگی در اختیار صاحب نظران قرار گرفت. در جلسه بحث، بر اساس همین متن، گفتگو آغاز و پرسش ها مطرح گردید. تمامی صحبت ها ضبط و نکات کلیدی یادداشت برداری شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد

1 Focus Group

2. Krueger

3. Dreachslin

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

که روشی برای تعیین، تحلیل و بیان مضامین (تم های) درونی داده ها بوده و شامل مراحل؛ تلخیص داده ها، خلاصه کردن عبارت ها و دسته بندی آنها، و تحلیل تم است. «فرایند تحلیل تم نیز خود شامل مراحل؛ آماده سازی داده ها و مکتوب کردن گزاره های کلامی، کد گذاری باز و محوری و دریافت معانی و مفاهیم می باشد» (تشکری و تدلی، ۱۹۹۸). برای انجام مراحل یاد شده ابتدا واحد تحلیل موضوع در نظر گرفته شد و هر موضوع گستره ای از یک عبارت تا چند جمله را در بر می گرفت. در تحلیل محتوا از هر دو شیوه تحلیل محتوای آشکار و نهفته استفاده شد. به عبارتی، در برخی از موارد محتوای نهفته در داده ها تعبیر شد. قبل از آغار تحلیل، داده های ضبط شده به صورت مکتوب در آمدند. سپس جدولی تهیه شد و گزاره های کلامی هر مصاحبه شونده در آن وارد شد. در مرحله بعد کد گذاری داده ها که ماده اولیه تم (مضمون) است، انجام شد. به این صورت که به هر مشارکت کننده کدی از ۱ تا ۹ اختصاص یافت. در کد گذاری باز، مفاهیم کلیدی، گفته های صاحب نظران بوده و در کد گذاری محوری عنوانی به مجموعه ای از مفاهیم مشترک بیان شده تعلق گرفت. در مرحله نهایی برای خلق معانی و مفاهیم، تمام مفاهیم مشترک ارائه شده توسط مشارکت کنندگان دسته بندی گردید.

یافته ها

گزینه های سیاستی نظام آموزش عالی در ارتباط با توسعه میان رشته ای ها

بر اساس مدل فهم میان رشته ای ها که در بخش چارچوب نظری پژوهش تشریح و تبیین شد، اشکال عمده توسعه میان رشته ای ها در ایران را می توان معرفی کرد. در مدل مورد نظر، ۹ شکل ظهور میان رشته ای با عنایت به دو متغیر «سطوح میان رشته ای» و «موقعیت بروز» طرح شده است. اکنون این پرسش مطرح است که در ارتباط با هر یک از اشکال (انواع) میان رشته ای، چه نوع سیاست هایی را می توان در پیش گرفت؟ هر یک از اشکال میان رشته ای دارای ویژگی هایی هستند که توسعه آنها در ایران اقتضانات خاصی را طلب می کند و توسعه آن نوع را با صعوبت یا سهولت همراه می سازد. در عین حال، هر یک از اشکال میان رشته ای دارای ارتباط خاصی با ایران هستند: برخی از آنها تولید ایران محسوب می شوند و برخی دیگر اکتساب شده اند. توسعه هر یک از آنها نیز با مزایا و پیامدهای متفاوتی همراه است. بر این اساس ۹ گزینه سیاستی به صورت جدول دوبعدی ارائه شده است (جدول ۳) و در ادامه هریک از گزینه ها تشریح شده است.

جدول (۳) گزینه های سیاستی در هر یک از اشکال میان رشته‌ای

جهان (غیر بومی)			میان رشته ای (تلفیقی)	ایران (بومی)
فقدان	چند رشته ای (تجمیعی)	میان رشته ای (تلفیقی)		
برتری (بدیع) سیاست ترویج ۷	مزیت بالفعل (پیشرو) سیاست تداوم ۳	همگامی سیاست تثبیت ۱	میان رشته ای (تلفیقی)	
پیشتازی سیاست تبلیغ ۸	مزیت بالقوه سیاست توسعه ۴	ضعف آشکار سیاست تقویت ۲	چند رشته ای (تجمیعی)	
ناشناخته ها سیاست تحقیق ۹	تاخیر سیاست تاسیس ۶	عقب افتادگی سیاست اکتساب ۵	فقدان	

الف) گزینه اول، سیاست تثبیت: برنامه‌هایی که در خانه شماره ۱ قرار می‌گیرد در واقع همان برنامه‌های میان‌رشته‌ای هستند که فرایند تکوین آنها بخوبی و طی سالیان متمادی طی شده و عملیات تلفیق در آنها بخوبی شکل گرفته است. در اینجا عملاً رشته‌های مستحکمی شکل گرفته‌اند که هویت رشته‌ای یافته و به عنوان یک دیسپلین در سطح ملی و بین‌المللی شناخته می‌شوند اما رشته‌هایی که منشاء ظهور و آبخشور تحول آنها چند رشته علمی بوده است. مساله‌هایی که بنیاد میان‌رشته‌ای‌ها را تشکیل می‌دهند در دو دسته قابل طبقه‌بندی هستند: مساله‌های اجتماعی؛ که ممکن است از پایداری زیادی برخوردار نباشند و مساله‌های معرفتی؛ که دارای پایداری زیادی هستند. دسته دوم میان‌رشته‌ای‌ها به مساله‌هایی فراتر از مساله‌های موقعیتی پاسخ می‌دهند و خود آنها زاینده مساله‌های تازه می‌باشند. همین ویژگی باعث پایداری این دسته از میان‌رشته‌ای‌ها می‌شود. این دو نوع از میان‌رشته‌ای‌ها را می‌توان با عناوین «برون‌زا» و «درون‌زا» نیز معرفی کرد. میان‌رشته‌ای‌های برون‌زا دارای منشاء بیرونی در اجتماع پیرامون هستند و نوعی پاسخگویی محسوب می‌شوند یعنی به کاربرد دانش در موقعیت‌های خاص می‌پردازند (کلاین، ۱۹۹۱؛ ترجمه اعتمادی زاده و موسی پور، ۱۳۸۹). در اینجا نوعی از فعالیت میان‌رشته‌ای که مسائل اقتصادی، فناورانه و عملی را در اولویت قرار می‌دهد و میان‌رشته‌ای را با مدیریت پژوهش، نیازهای ملی و نوآوری در بازار همسو می‌سازد، مطرح است؛ که می‌توان آن را میان‌رشته‌ای ابزاری، استراتژیک، عملگرا و فرصت جویانه محسوب کرد. میان‌رشته‌ای‌های درون‌زا

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

دارای منشاء درون‌دانشی هستند و نوعی تولید دانش جدید را نشان می‌دهند. به همین دلیل برنامه‌های آموزشی مربوط به هر یک دارای ماهیت متفاوت هستند. برنامه‌های مبتنی بر میان‌رشته‌ای‌های برون‌زا (موقعیتی)، تا زمانی دوام دارند که مساله مربوط باقی است و با از میان رفتن آن مساله، ادامه این برنامه‌ها دارای توجیه نیست! اما؛ برنامه‌های مبتنی بر میان‌رشته‌ای‌های درون‌زا (مداوم) نیازی دانشی را برآورده می‌سازند و حمایت از آنها قابل توجیه است. این دسته از میان‌رشته‌ای‌ها را باید کمک کرد تا همچنان به تولید دانش خود ادامه دهند؛ یعنی نقش پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و نیازهای معرفتی را به‌درستی ایفا نمایند. حیات این میان‌رشته‌ای‌ها به «پیشسازی» و «همراهی» آنان با قافله علم بین‌المللی است. پس، حفظ شرایط کنونی و زمینه‌سازی برای رفع برخی نارسایی‌ها، باید محور اصلی سیاست‌گذاری در ارتباط با این نوع برنامه‌های میان‌رشته‌ای باشد.

ب) گزینه دوم، سیاست تقویت: برنامه‌هایی که در خانه دوم قرار می‌گیرند برنامه‌هایی هستند که در جهان دارای موقعیت میان‌رشته‌ای هستند ولی در ایران وضعیت چندرشته‌ای دارند. این حالت نشان می‌دهد که اولاً آنچه در ایران جریان دارد نیازمند توسعه است و ثانیاً الگوهایی برای توسعه آنها در سطح جهانی مطرح است و می‌توان با ایجاد شرایطی، زمینه تحول سهل‌تری را فراهم کرد. در واقع، این وضعیت حاکی از عقب‌ماندگی ایران و مزیت نسبی بین‌المللی است. به این معنی که این نوع برنامه‌ها از دانش سازمان یافته در سطح بین‌المللی سود می‌برند و معقول‌آنست که از این فرصت بوجود آمده استفاده مناسب برد و سعی کرد با سرمایه‌گذاری بیشتر روی این رشته‌ها و با تولید دانش در این رشته‌ها زمینه، ارتقاء آنها را فراهم ساخت و آنها را از خانه شماره ۲ به خانه ۱ یا به عبارت بهتر از وضعیت چندرشته‌ای (تجمیعی) به میان‌رشته‌ای (تلفیقی) ارتقاء داد؛ ارتقایی که به‌دلیل شرایط بین‌المللی این رشته‌ها با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. آنچه حائز اهمیت است این که هر گونه تاسیس رشته جدید نیز، اصولاً، در این حالت شکل می‌گیرد. این شکل از میان‌رشته‌ای‌ها در عمل فرصت‌های تمرین تحول را برای جامعه علمی ایران پدید می‌آورند.

ج) گزینه سوم، سیاست تداوم: برنامه‌هایی که در خانه شماره ۳ قرار دارند برنامه‌هایی هستند که مزیت رقابتی ایران محسوب می‌گردند. لذا می‌توان با سرمایه‌گذاری مناسب روی آنها ضمن توسعه این رشته‌ها، پیشسازی و زاینده‌گی علمی و احتمالاً سلطه فرهنگی خود را روی این رشته‌ها حفظ کرد. از این طریق، دانشی که برگرفته از فرهنگ و دانش بومی است در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود و علاوه بر ایفای نقش «تولیدی» در عرصه دانش، اعتماد به نفس علمی جامعه را نیز افزایش می‌دهد. این نوع از میان‌رشته‌ای‌ها «مزیت بالفعل» ایران می‌باشند؛ که توسعه آنها به معنای افزایش دارایی و سرمایه موجود است.

د) گزینه چهارم، سیاست توسعه: برنامه‌هایی که در گزینه ۴ قرار می‌گیرد جزء برنامه‌های نوظهوری هستند که از لحاظ کیفیت دانش موجود در آن، ایران نیز در موقعیت برابری با سطح بین‌المللی قرار دارد. لذا ممکن است با سرمایه‌گذاری در توسعه این رشته‌ها بتواند از رقبای خود در سطح بین‌المللی پیشی گیرد. در این وضعیت، «مزیت بالقوه» مطرح است؛ که البته بهره‌گیری از آن با سختی‌های مربوط به رقبای جدی بین‌المللی همراه است.

ه) گزینه پنجم، سیاست اکتساب: این گزینه در وضعیتی مطرح است که میان‌رشته‌ای در سطح بین‌المللی فعال است اما در ایران موجود نیست. در این شرایط نوعی عقب‌افتادگی مطرح است که نمی‌توان آن را به سرعت و با فرمان‌های خلق‌الساعه برطرف کرد. لذا می‌توان به اکتساب تاخیری اقدام کرد و با جبران‌های عمدی، بر سرعت حرکت افزود و زمان گذر را کوتاه کرد و با سطح بین‌المللی همراه شد.

و) گزینه ششم، سیاست تاسیس: وضعیتی در گزینه ششم مطرح است که چندرشته‌ای در سطح بین‌المللی فعال شده است اما ایران از آن بی‌بهره است. این شرایطی است که باید به درک آن پرداخت و شرایط لازم برای طی طریق را فراهم ساخت و زمان لازم را لحاظ کرد. در این شرایط، بستر مساله‌ای موجود در ایران را می‌توان مبنای مطالعات چندرشته‌ای قرار داد و با گذر از تولید برنامه‌های آموزشی چندرشته‌ای، به سوی استقرار میان‌رشته‌ای‌ها به پیش رفت.

ز) گزینه هفتم، سیاست ترویج: وضعیتی را نشان می‌دهد که یک میان‌رشته‌ای در ایران فعالیت دارد ولی در جهان موجود نیست. در اینجا برتری ایران مطرح است و تلاش برای بهره‌برداری از این برتری و حفظ و اعتلای آن باید در دستور کار قرار گیرد.

ح) گزینه هشتم، سیاست تبلیغ: وضعیتی را آشکار می‌کند که چندرشته‌ای در ایران فعالیت دارد اما جهان از آن بی‌بهره است. در اینجا پیشتازی ایران مطرح است و می‌تواند از روش‌های مشارکتی برای پیشبرد سهل‌تر استفاده شود.

ک) گزینه نهم، سیاست تحقیق: وضعیتی را نشان می‌دهد که اکنون از دید بومی و بین‌المللی به‌دور مانده است؛ وضعیت مغفول. آینده نشان خواهد داد که چه سطحی (بومی یا بین‌المللی) به شناسایی و اکتشاف آن توفیق خواهند یافت. اما عنایت به آن زمینه لازم برای آشکارسازی «نیازهای ناآشکار» را رسمیت می‌بخشد و فرصت‌سازی برای شناسایی آنها را در دستور کار حفظ می‌کند؛ موضوعی که از طریق آینده‌شناسی حاصل می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که قابلیت بشری برای شناسایی و پیگیری مساله‌های اجتماعی و معرفتی مطرح است؛ قابلیت‌هایی که با محدودیت‌های واقعی همراه است. اما در این جا سرمایه‌گذاری برای شناخت، ضروری است. نقطه عزیمت بر اساس محتوای جدول ۱، «عقب‌افتادگی» و «تاخیر» است. از این

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

نقطه - یعنی عقب ماندگی - ضروری است در دو سو حرکت آغاز شود: اول بر منطق توسعه میان رشته ای ها یعنی «از نبود به چندرشته ای» و «از چندرشته ای به میان رشته ای»؛ و دوم بر منطق پیشرفت میان رشته ای ها یعنی «از عقب افتادگی به مزیت بالقوه» و «از مزیت بالقوه به برتری».

راهبردها و راهکارهای اجرایی توسعه میان رشته ای ها در ایران

کلاین (ترجمه اعتمادی زاده و موسی پور، ۱۳۸۹) بر این باور است که «روی آوردن به میان رشته ای ها، متأثر از ادراک ضرورت های اجتماعی است: این تحول، منبعث از ایمان فلسفی یا امید معرفت شناختی^۱ به میان رشتگی نیست؛ بلکه تقاضاهای علمی و راهبرد های طراحی پاسخگو به محدودیت های رشته های علمی توأم با پیشرفت علم مطرح شده اند». شاید به همین علت است که در این حوزه تنوع پارادایم ها و عدم تجانس دیدگاه ها موضوعی معمول است و موجبات برانگیختن و پیشبرد فعالیت میان رشته ای را فراهم می آورد و در عین حال سبب می گردند این فرایند و افق های آن پیچیده تر شوند. به عبارت دیگر، شرایطی که به عنوان عوامل زمینه ساز میان رشتگی مطرح می شوند، اغلب همان علت های مشکلاتی هستند که جلوی شکل های متفاوت میان رشتگی را سد می کنند. با این نگاه، به طرح راهبرد ها و معرفی برخی راهکارهای اجرایی توسعه میان رشته ای های علوم انسانی اقدام شده است. این راهبرد ها و راهکارها به گونه ای مرتبط با یکدیگر هستند که چگونگی این ارتباط در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴) نسبت بین راهبرد ها و راهکارهای توسعه میان رشته ای های علوم انسانی

راهکار	راهبرد
توسعه انجمن های علمی میان رشته ای در علوم انسانی	۱- توجه به زمینه های فرهنگی - اجتماعی تاسیس میان رشته ای ها
تلاش برای "بومیت زدائی" از دانش	
حفظ حرمت میان رشته ای ها و صلاحیت دست اندرکاران	
کاهش و حذف تعلق رشته ای	
فرصت دادن به گذار هویتی میان رشته ای شدن	
گسترش تولید نشریات علمی در حوزه میان رشته ای	۲- بازنگری در ساختار نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری برای پاسخگویی به نیازهای میان رشته ای
عضویت چند گروهی اعضاء هیات علمی	
عضویت موقت در گروه های آموزشی	
توسعه انجمن های میان رشته ای یا تسهیل شکل گیری	

راهبر	راهکار
بودن آموزش و مطالعات	اتحادیه میان رشته ای از انجمن های دارای هویت رشته ای
۳- سیاست گذاری توسعه برنامه ای میان رشته ای در علوم انسانی	توجه به سیاست های نه گانه (تثبیت، تقویت، تداوم، توسعه، تاسیس، ترویج، تبلیغ، و تحقیق) در سیاستگذاری ها
۴- حرکت گام به گام (سلسله مراتبی)	مساله شناسی و مساله محوری
	برنامه های آموزشی مشترک توسط آموزشگران (ارائه مشترک درس)
	زمینه سازی برای بلوغ رشته ای به عنوان لازمه تحقق میان رشته ای
	شروع فعالیت های میان رشته ای با همکاری بین گروه های دایر
	به رسمیت شناختن برنامه های چند رشته ای را برای هر گونه اقدام تاسیسی
	ضرورت همراهی نهاد های بالادستی
۵- استقلال دانشگاه ها	تدوین برنامه های کلان توسعه میان رشته ای های عرضه محور
۶- اولویت دادن به توسعه دانشگاه جامع	حمایت از ادغام دانشگاه های تخصصی برای تاسیس دانشگاه جامع
	منع تاسیس دانشگاه های تخصصی و دانشکده های مستقل
۷- نهاد سازی به منظور پیگیری امور میان رشته ای	تاسیس دفاتر ستادی و دانشگاهی پیگیری تاسیس میان رشته ای ها
۸- رسمیت دادن به برنامه ریزی دوره های میان رشته ای تقاضا محور	تاسیس و اجرای دوره های آموزشی و پژوهش محور در سطح کارشناسی ارشد و دکتری
	تدوین آیین نامه خاص برای توسعه برنامه های میان رشته ای تقاضا محور
۹- تعادل بخشی بین برنامه های عرضه محور (راسخ/ پیشینی) و تقاضا محور (رویدنی/ پسینی)	تعامل با کنشگران بیرون از دانشگاه
	توجه به نیازهای بازار کار
۱۰- توجه رسمی به توسعه میان رشته ای ها	اختصاص ردیف بودجه مستقل برای میان رشته ای ها
	اختصاص جایگاه مشخص در برنامه های راهبردی دانشگاه ها

راهبرد	راهکار
	تدوین مکانیزم انگیزشی برای اعضاء هایت علمی

راهبرد ۱: توجه به زمینه های فرهنگی - اجتماعی تاسیس میان رشته ای ها

اینکه آیا ساختار فرهنگی جامعه و نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری کشور به افرادی با تفکر میان رشته ای اجازه فعالیت می دهد، مهم است! به نظر می آید شخص برخوردار از تفکر میان رشته ای برای ساختارهای بسته، مناسب نیست! چرا که چنین فردی مقلد نیست و خود را صاحب نظر می داند؛ لذا چنین افرادی که دارای تفکر میان رشته ای هستند با مشکل مواجه می شوند. ساختار فرهنگی متناسب میان رشته ای بودن برای توسعه میان رشته ای ها لازم است. این موضوع را باید ابتدا در درون دانشگاه و بعد در جامعه طوری دنبال کرد که افراد میان رشته ای مورد پذیرش واقع شوند. متخصصان میان رشته ای عمدتاً باید دنبال خلاقیت و قدرت تصور باشند. این امر با نظام فرهنگی حاکم بر جامعه، سازگار نیست! لذا باید ابتدا پیش نیازهایی را برای آن تعریف کرد. این پیش نیازهایی را برای آن تعریف کرد. این پیش نیازهایی می توانند جنبه ساختاری، برنامه ای و.... داشته باشند.

راهبرد ۲: بازنگری در ساختار نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری برای پاسخگویی به نیازهای برنامه ها و مطالعات میان رشته ای

نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری دارای ساختار رشته ای است و به اقتضای آن برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و معرفتی تلاش می کند. حال آنکه برنامه ها و مطالعات میان رشته ای دارای اقتضات دیگری هستند. دانشگاه های دارای تقسیمات رشته ای مملو از اعضای هیات علمی دارای هویت رشته ای، به ناچار در پی حفظ شرایط خود خواهند بود. این موضوع می تواند با بازنگری ساختارهای تخصصی نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری، که عمده ترین ظهور آن در ساختار دانشگاه هاست، به شکلی سامان یابد که تعلقات رشته ای کمتر مورد توجه قرار گیرد. یکی از موارد خاص در این ارتباط، ایجاد شرایط برای تاسیس «دانشگاه های پژوهشی» است. دانشگاه پژوهشی این امکان را می دهد تا فعالیتهای پژوهشی و آموزشی به صورت آمیخته به اجرا گذاشته شوند. این دانشگاه ها فرصتهایی برای مطالعات میان رشته ای و آموزش میان رشته ای ایجاد می کنند و زمینه لازم را برای بررسی های تجربی ایجاد دوره های آموزشی را فراهم می آورند. در چنین شرایطی تاسیس رشته و ورود به عرصه آموزش به شکل بهنگام و ناپخته رخ نخواهد داد.

راهبرد ۳: سیاست گذاری توسعه برنامه های میان رشته ای در علوم انسانی

بر اساس تحلیل هایی که در این پژوهش به عمل آمد، سیاست گذاری توسعه میان رشته ای ها علوم انسانی در نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری کشور با نه گزینه سیاستی مواجه است؛ که هر یک از آنها برای تحقق اهداف خاصی دارای اولویت هستند. با عنایت به وضعیت میان رشته ای های علوم انسانی در ایران و شرایط کلی کشور در جهان و با نگاه به تعادل بخشی بین اهداف مبتنی بر نیازهای اجتماعی و نیازهای معرفتی و البته با توجه به شرایط کلی حاکم بر تلاش های جهانی برای پیشبرد علم و فناوری در دنیای جدید، ترتیبی از سیاست ها تحت نه گزینه مطرح شده است. رعایت آن سیاست ها، امری ضروری است.

راهبرد ۴: حرکت گام به گام (سلسله مراتبی) توسعه برنامه های میان رشته ای

یکی از راه های رسیدن به برنامه میان رشته ای شروع از درس میان رشته ای است لذا می توان از یک درس اختیاری شروع کرد و به تدریج برای پنج سال بعد یک برنامه درسی یا دوره تحصیلی میان رشته ای را شکل داد.

برای شروع یک رشته (میان رشته) حتماً لازم نیست دانش آن به طور کامل وجود داشته باشد. حتی اگر زمینه پژوهش آن هم فراهم باشد می توان شروع کرد. مثلاً "روانشناسی اسلامی" را می توان اول با یک واحد درس آغاز کرد و کم کم دانش آن را تدوین نمود. اما، اگر این تردید پدید آید که درس هم نیاز به دانش لازم دارد، آن گاه می توان با مطالعات میان رشته ای کار را شروع کرد و بستر آن را فراهم نمود تا خوراک علمی آماده شود. همچنین، می توان برای ایجاد برنامه میان رشته ای اول دوره عمومی آن را ایجاد کرد ولی در نظر داشت که مثلاً در پنج سال بعد قرار است یک گرایش خاصی از آن برنامه رشد کند و در طی این پنج سال و با انجام پروژه های مختلف، دانش لازم را تهیه کرد و بعد آن رشته جدید را راه اندازی کرد(رشته با گرایش خاص).

راهبرد ۵: حفظ و گسترش استقلال دانشگاه ها

استقلال دانشگاه ها زمینه توجه و امکان عنایت آنها به مساله های اجتماعی و معرفتی حادث را فراهم می کند و این موضوعی است که می تواند از طریق میان رشته ای ها پیگیری شود. این استقلال در اسناد مربوطه هم مطرح شده است.

راهبرد ۶: اولویت دادن به تاسیس دانشگاه های جامع

رویکرد های دانشگاه جامع و دانشگاه تخصصی دارای دفاعیات و فواید خاص خود است. این دو رویکرد، در ارتباط با توسعه میان رشته ای ها، مخصوصاً میان رشته ای های گسترده(چند

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

رگه) که ریشه در حوزه های معرفتی نامتجانس و دور از هم دارند، مورد بررسی قرار گرفتند و به شکل زیر جمع بندی شد:

* سیاست مرجح در خصوص تاسیس دانشگاه ها عبارت است از تاسیس دانشگاه های جامع به جای دانشگاه های تخصصی در یک گروه علمی عام یا یک رشته خاص (یا دانشگاه های به اصطلاح ماموریت گرا).

* سیاست مرجح در سطح دانشکده ها تبدیل نشدن آن ها به دانشکده های دارای قلمرو تخصصی تر است. اگر ملاحظات و مصالح دیگری این اتفاق را اجتناب ناپذیر ساخت. آنگاه بایستی هم زمان به فکر تاسیس ساختارهای جایگزین مانند ایجاد پردیس (واحد سازمانی حد فاصل میان دانشکده و دانشگاه) یا دفتری با ماموریت برنامه ریزی برای توسعه میان رشته ای ها بود.

راهبرد ۷: نهاد سازی به منظور پیگیری امور میان رشته ای

مراد از دفاتر ستادی برای پیگیری تاسیس میان رشته ای ها، ایجاد ساختارهایی برای طراحی و تدوین برنامه های میان رشته ای عرضه محور و ایجاد هماهنگی بین گروه های آموزشی برای ایجاد دوره های تقاضا محور است. برنامه های میان رشته ای عرضه محور ممکن است در چارچوب برنامه های توسعه یک کشور و یا با آینده شناسی دقیق طراحی گردند و با اقبال و اثر بخشی جدی همراه باشند، اما در هر حال ایجاد فرصت برای دوره های تقاضا محور موضوعی است که بر اساس تشخیص و تقاضای دانشجو تنظیم و ارائه می شوند.

راهبرد ۸: رسمیت دادن به برنامه ریزی دوره های میان رشته ای تقاضا محور

وقتی دانشجویان این امکان را داشته باشند که با ایجاد ارتباط بین چند گروه علمی و تخصص های چند شخص، به طراحی آموزشی برای پاسخگویی به نیازی اجتماعی یا معرفتی اقدام کنند یا دست کم بنایی برای کسب آموزش مورد نظر خود فراهم آورند، دوره های تقاضا محور شکل گرفته است. برای دستیابی به این امر تدوین آیین نامه ای خاص ضروری به نظر می رسد.

راهبرد ۹: تعادل بخشی بین برنامه های عرضه محور (راسخ/ پیشینی) و تقاضا محور (رویدنی/ پسینی)

تعادل بین برنامه های میان رشته ای راسخ و رویدنی، به معنای تعادل بین برنامه های توسعه اجتماعی و خواست های مردم یک جامعه است. این تعادل، برای تحقق آرمان ها و حفظ انگیزه ها ضرورت دارد. بدین منظور، این موضوع باید در سه سطح اصلی دوره های آموزشی

دکتر محمود مهرمحمدی ، دکتر نعمت اله موسی پور ، دکتر امیرحسین کیزوری
 کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا به شکل‌های متفاوتی تحقق یابد؛ که وضع مورد نظر در
 جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵) بکارگیری برنامه های راسخ و رویدنی در سطوح مختلف

دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	
بلی	بلی	خیر ^۱	پیشینی / بسته / ساختار یافته / دانشگاه محور
بلی	بلی / خیر (یعنی با شرایط خاص)	خیر ^۲	پسینی / باز / ساختار نیافته / دانشجو محور

آنچه در جدول ۵ ارائه شده است معرف راهکار پیشنهادی برای توسعه میان رشته‌ای - چند رشته‌ای در وضعیت تاسیس^۳ با توجه به متغیر سطوح تحصیلی و انواع برنامه‌ها درسی (باز و بسته) می‌باشد. شایان ذکر است توجه به نیازهای بازار کار و تعامل مستمر با کنشگران بیرون از دانشگاه در ایجاد تعادل بین برنامه‌های توسعه اجتماعی و خواست‌های مردم حیاتی است.

راهبرد ۱۰: توجه رسمی به توسعه میان رشته ای ها

اختصاص بودجه یکی از شرایط بسیار موثر بر توسعه میان رشته ای هاست و این موضوع اگر به وضوح یعنی به صورت مستقل رخ دهد، می تواند سبب تحولات عمده ای شود. ساختارهای اجرایی - مدیریتی نظام آموزش عالی کشور به گونه ای است که امکانات مالی را صرف دردهای آشکار می کند. از آنجا که هنوز موضوع میان رشته ای به یک مساله آشکار تبدیل نشده، لازم است دست کم تا زمان اشراف کامل نظام مذکور بر این موضوع، ردیف بودجه‌ای مستقلی به میان رشته‌ای‌ها اختصاص یابد. این اختصاص به نوعی بر افزایش آگاهی از موضوع نیز اثر دارد. از سوی دیگر توجه به برنامه‌های میان رشته‌ای در برنامه‌های توسعه‌ای و راهبردهای دانشگاه‌ها بیانگر باور و اعتقاد مدیران و تصمیم‌سازان دانشگاهی به ضرورت توسعه میان رشته‌ای هاست که چنانچه با سازو کارهای انگیزشی همراه شود بر افزایش سرعت توسعه برنامه‌های میان رشته‌ای می‌افزاید.

راهکارهای توسعه برنامه های میان رشته ای در ایران

۱- البته در سطح درس و گرایش بلامانع است

۲- منطقی به نظر نمی رسد. در سطح جهان هم سابقه ای یافت نشد

۳- توسعه به معنای تقویت رشته ای موجود (دایر) را در بر نمی گیرد

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

▪ عضویت چند گروهی اعضای هیات علمی

یکی از تمایزات میان چند رشته ای ها و میان رشته ای ها این است که در چند رشته ای ها می توان عضویت وابسته را اعمال کرد. در چند رشته ای اجرا الزاما شکل تدریس مشترک^۱ خواهد داشت. و موضوع عضویت وابسته^۲ استادان در این جاست که معنا می یابد. البته در حرکت به سوی میان رشته ای واقعی، اشخاص عضو گروه های متعدد از هویت خاص برخوردار می شوند و بدین ترتیب با تحقق میان رشته ای، گذار هویتی نیز به انجام می رسد.

▪ عضویت موقت در گروه های آموزشی

عضویت موقت در گروه های آموزشی، فرصتی برای باز تعریف هویت رشته ای محسوب می شود؛ اما نمی توان انتظار داشت برای همه افراد به یک شکل اتفاق بیفتد شود. یکی از طرق خود آزمایی برای حضور در فعالیت های میان رشته ای، عضویت موقت است. در این شرایط امکان آزمون تغییر هویت رشته ای پدید می آید و اگر چنین شد، همکاری ادامه می یابد. این اقدام می تواند با شناساندن فعالیت های رشته ای دیگر، از میزان مقاومت در برابر تغییر در حوزه توسعه میان رشته ای ها بکاهد.

▪ اجرای برنامه های مشترک علمی

در اینجا، برنامه های مطالعاتی و آموزشی مشترک مطرح است که با اشکال مختلفی از فعالیت میان رشته ای می تواند همراه باشد. پروژه های مشترک مطالعاتی، بنیادهای لازم برای آموزش های میان رشته ای را فراهم می سازند. در این ارتباط، پروژه های مشترک بین متخصصان رشته های مختلف، بین دانشگاه های متفاوت، بین مراکز تحقیقاتی، و بین داخل و خارج مطرح است. این موضوع اگر به شکل تلفیقی صورت گیرد، دارای اولویت است.

▪ برنامه های آموزشی مشترک توسط آموزشگران (ارائه مشترک درس)

از طریق آموزش چند استادی، این امکان برای هر یک از آنان حاصل می شود که از دیگری بیاموزند و با رشته علمی دیگری آشنا شوند. این آشنایی ها نه تنها از طریق افزایش دانش و گسترش دید اشخاص بر عملکرد شان اثر می گذارد، که در مواقعی نیز زمینه همکاری بین رشته ها را فراهم می کند.

▪ توسعه انجمن های علمی میان رشته ای در علوم انسانی

1. Team teaching
2. Joint appointment

می تواند نقش میان بر را در ارتباط با عضویت هم زمان در چند گروه داشته باشد. انجمن های میان رشته ای محملی برای تحقق همان کارکرد به شکل سریع تر و با موانع بوروکراتیک کمتر هستند.

▪ تلاش برای «بومیت زدائی» از دانش

تلاش برای «بومیت زدائی» از دانش (مورن، ترجمه حاتمی، ۱۳۸۷) در واقع نوعی انعطاف فکری است. توسعه میان رشته ای ها نیازمند نوعی انعطاف فکری یا گشودگی در اندیشه است که با اتکای به آن بوم یا سرزمین رشته ای، هر قدر که مغتنم و حایز اهمیت نیز باشد، موجب زمین گیر شدن ساکنان آن نشود. به عبارت دیگر برنامه ریزی برای بسط و تقویت تفکر غیر رشته ای (میان رشته ای) در سطوح پایین تر آموزشی و ایجاد آمادگی اولیه برای اقبال به میان رشته ای ها نزد دانشجویان ضرورتی زیر ساختی است.

▪ مساله شناسی و مساله محوری

خاستگاه طراحی میان رشته ای ها را باید خود مسئله قرار دارد و راه حل هایی که برای مسائل در نظر گرفته می شود نوع رشته را مشخص می کند. اگر راه حل ها به صورت تک بعدی تنظیم شود، همان حرکت رشته ای استمرار می یابد. مسئله در حیات واقعی اجتماعی یا معرفتی، کشف می شود.

▪ زمینه سازی برای بلوغ رشته ای به عنوان لازمه تحقق میان رشته ای

برای اینکه میان رشته ای ها شکل بگیرد باید یک بلوغ در رشته ها صورت گیرد و شرط نزدیکی به رشته های دیگر اینست که در همان رشته عمق و غنا ایجاد شود. میان رشته ای ها به سمت انحلال مسائل پیش نمی روند و اتفاقاً تکرر مسائل ظهور می یابد. کسی دنبال وحدت علوم نیست، بلکه تکرر رسمیت می یابد، در میان رشته ای ها بسیاری از چیزهایی که تکلیف آن در یک رشته مشخص شده، مجدداً مطرح و مسئله می شود.

▪ کاهش و حذف تعلق رشته ای

عضو هیأت علمی وقتی می تواند در عرصه میان رشته ای ها وارد و به درستی عمل کند، که تعلق به یک رشته خاص در او سبب مقاومت و دیدگاه محدود نشود! تعلق رشته ای منجر به تخصص گرایی و آن نیز موجب دیدگاه های محدود به موضوعات و مسائل می شود و امکان تفاهم چند رشته ای را کم می کند. به همین دلیل لازم است شرایط بیرونی برای کاهش تعلق رشته ای پدید آید. یکی از طرق آن است که عضو هیأت علمی به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه مطرح باشد نه یک گروه خاص. در چنین شرایطی هر عضو پذیرای آن است که اگر

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

دانشگاه تشخیص داد در هر گروهی خدمت کند. این تفکر نیاز به این دارد که عضو هیأت علمی احساس کند به یک گروه خاص تعلق ندارد و عضو هیأت علمی دانشگاه است نه یک گروه خاص. این چیزی است که در ادبیات میان رشته ای به نام عضویت وابسته از آن یاد می شود.

▪ همراهی نهادهای بالا دستی در فعالیت های میان رشته ای

وزارت علوم برای تصویب میان رشته ای ها باید جسورانه وارد میدان شود. برخی مواقع صحبت ها و اقدامات وزارت علوم با سیاست میان رشته ای ها مغایرت دارد. بطور مثال از نظر سازمان سنجش اگر دوره کارشناسی ارشد کسی بیش از دو سال طول بکشد اجازه ورود به دوره دکتری ندارد! و تأکید می شود که دانشجویان را نباید بیش از دو سال در دانشگاه نگه داشت؛ زیرا وزارت علوم فقط دو سال به دانشجویان ارشد سرانه می دهد. نتیجه این می شود که دانشگاه از میان رشته ای دور شود، چون وقتی فرد وارد میان رشته ای ها می شود باید از زمینه های مختلفی دانشی آگاهی کسب کند و این زمینه های مختلف زمان بر است و باعث می شود دانشگاه ها از این نوع دوره ها صرف نظر می کنند و یا همان کار رشته ای را تحت پوشش نام های میان رشته ای دنبال می کنند. که البته پیامدها زیان باری دارد.

▪ تدوین برنامه های کلان توسعه میان رشته ای های عرضه محور

چنانچه در سطح وزارت علوم و بعد در سطح دانشگاه ها در یک برنامه پنج ساله مشخص می شود که چه دوره هایی بناست در پنج سال آینده ایجاد شود، مبنایی برای اقدامات گروه های آموزشی فراهم می شود. در چنین شرایطی هر گروهی مشخص خواهد کرد که چه برنامه های میان رشته ای یا رشته ای را می خواهد تأسیس کند. البته لازم است برای پیشبرد این برنامه ها، فرهنگ میان رشته ای در دانشگاه گسترش بیابد و بطور مستمر و همه جانبه بر این موضوع تأکید شود که راه اندازی میان رشته ای ها یک اقدام ارزشمند است و هر گروهی که این امکان را دارد بایستی نسبت به راه اندازی آن اقدام نماید.

▪ فرصت دادن به گذر هویتی میان رشته ای شدن

برای میان رشته ای شدن اعضا، باید فرصت برای گذار هویتی پدید آید. این موضوع از جنس «تحول درونی» است نه «امر بیرونی»! تحول درونی نیازمند فرصت است و با اقتناع و مواجهه ممکن می شود. مثلاً کسی که از دپارتمان اقتصاد می خواهد به دپارتمان کارآفرینی بیاید، در ابتدا خشنود نیست؛ چون در خودش تهدیدهای هویتی حس می کند. او در دپارتمان اقتصاد دارای هویت مستقل و شناخته شده ای است. آشنایی چنین افرادی با سوابق رشته های علمی و تاریخ دانشگاه و همچنین برنامه های آینده، می تواند به آنها کمک کند تا بپذیرند که در آینده و با حضور آنان، میان رشته ای جدیدی با هویت مشخص شکل می گیرد.

▪ به رسمیت شناختن برنامه های چند رشته ای برای هر گونه اقدام تأسیسی

اصولاً امکان تاسیس میان رشته ای واقعی، وجود ندارد، زیرا میان رشته ای بودن نوعی از رشد یافتگی تبدالات بین دو یا چند رشته است. به همین دلیل، باید زمینه ای برای رشد فراهم شود و آن زمینه از طریق ایجاد چند رشته ای ها ممکن می گردد. این موضوع البته محدود به موارد قدرت بنیاد نیست، در موارد مساله بنیاد نیز چنین است. حتی در مواردی که یک میان رشته ای در سطح جهانی مطرح است، باز هم تاسیس آن در زیست بوم ایران به صورت میان رشته ای ناممکن است! در این موارد هم باید از چند رشته ای آغاز کرد و فرصت فراهم ساخت تا آن برنامه در این زیست بوم به تولید بینجامد و هویت میان رشته ای پیدا کند. برنامه های میان رشته ای، مبتنی بر دانش میان رشته ای شکل می گیرند. و وقتی می توان شاهد دانش میان رشته ای بود، که زایش در موقعیت ظهور یابد؛ که در اینجا، بومی بودن آن دانش مطرح است.

▪ حفظ حرمت میان رشته ای ها و صلاحیت دست اندرکاران

این که کار به یک آدم متخصص و کاردان سپرده شود هم تعیین کننده است و باعث بهبود امور می شود. در سنت های جاری دانشگاهی، گاه دیده می شود که برخی ساختارهای منعطف زمینه را برای حضور اشخاص کم صلاحیت فراهم می کند. برای میان رشته ای بودن یک گروه علمی، ساختارهای منعطف، به خصوص از حیث پذیرش صاحبان تخصص، لازم است. این ساختارهای منعطف در عین حال فرصت ایجاد می کند که برخی اشخاص کم صلاحیت و ضعیف که از گروه های دیگر رانده و یا در راه مانده اند، به این گروه های دارای ساختار منعطف وارد شوند. چنین شرایطی یک تهدید جدی است! این موضوع مخصوصاً تا زمانیکه دوره تاسیس در جریان است و شرایط چند رشته ای بر پذیرش عضویت گروه تازه تاسیس نخواهند بود و گروه ناچار می شود که فعالیت خود را با برخی اعضای ضعیف تر آغاز کند! به همین دلیل، مراقبت از حریم میان رشته ای ها، موضوعی حساس است و لازم است تاکید شود که میان رشته ای بودن، فراتر رفتن از تخصص رشته ای است، نه ضعیف تر بودن در تخصص!

▪ شروع فعالیت های میان رشته ای با همکاری بین گروه های دایر

سیاست های توسعه میان رشته ای ها در دانشگاه می تواند به دو شکل دنبال شود: اول سیاست تاسیس میان رشته ای ها در درون گروه های موجود، و دوم سیاست ایجاد گروه مستقل، هر دو سیاست دارای قوت ها و ضعف هایی هستند که با عنایت به فرهنگ دانشگاهی ایران، سیاست همکاری بین گروه ها برای ایجاد میان رشته ای، مناسب تر می باشد. همچنین، توصیه می شود اگر لازم بود، مدیریت این دوره های به صورت چرخشی در میان گروه های دخیل تغییر کند تا هر کدام از آنها از نزدیک با موضوع آشنایی کسب کنند. تاسیس گروه

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

مستقل، بهتر است برآیند همکاری این گروه ها باشد. چنین شرایطی سبب می شود که اعضای صاحب صلاحیت گروه های تخصصی که دارای علایق میان رشته ای هستند به گروه برآمده از فعالیت های جاری گروه تمایل نشان دهند و عضویت آن را بپذیرند.

▪ تاسیس و اجرای دوره های آموزشی پژوهش محور در سطح کارشناسی ارشد و دکتری

دوره های پژوهش محور دارای انطباق بیشتری با ماهیت میان رشته ای ها هستند؛ مخصوصاً اگر این دوره ها بر منطق پژوهش های تقاضا محور^۱ ایجاد و دنبال شوند، زمینه لازم برای میان رشته ای شدن را ایجاد می کنند.

▪ حمایت از ادغام دانشگاه های تخصصی برای تاسیس دانشگاه جامع

از آن جهت که دانشگاه جامع فرصت های بیشتری برای میان رشته ای ها ایجاد می کند، می توان با برنامه هایی به ادغام دانشگاه های تخصصی اقدام و دانشگاه های جامع را شکل داد. دانشگاه های تخصصی فقط می توانند زمینه ساز برنامه ها و مطالعات میان رشته ای محدود باشند. اما دانشگاه های جامع علاوه بر آثار مثبت دیگر، می تواند زمینه برای همکاری های مشترک اعضا در ایجاد برنامه ها و طراحی مطالعات میان رشته ای گسترده را فراهم کند.

▪ منع تاسیس دانشگاه های تخصصی و دانشکده های مستقل

تلاش برای تاسیس دانشکده های مستقل و دانشگاه های تخصصی در بیشتر مواقع با مسائل سیاسی آمیخته شده است. این نوع مراکز آموزشی به صورت جزیره های مستقل عمل می کنند و معمولاً مانعی عمده بر سر راه فعالیت های میان رشته ای محسوب می شوند. تدوین قوانین و مقرراتی برای منع تاسیس دانشگاه های تخصصی و دانشکده های مستقل می تواند خدمتی به توسعه فعالیت های میان رشته ای باشد.

▪ توسعه انجمن های میان رشته ای یا تسهیل شکل گیری اتحادیه میان رشته ای از انجمن های دارای هویت رشته ای

این پیشنهاد به بعد ساختاری و آنهم در بخش مطالعات میان رشته ای مربوط می شود. اهمیت آن نیز در این است که انجمن ها یا اتحادیه ها، تشکیلات و ظرفیت های ساختاری هستند

۱- پژوهش تقاضا محور به نحوی منظور است که در آیین نامه دوره دکتررا (مصوب جلسه ۷۷۵ شورای برنامه ریزی

آموزش عالی به تاریخ ۱۳۸۹/۰۸/۰۸ مطرح شده است.

دکتر محمود مهرمحمدی ، دکتر نعمت اله موسی پور ، دکتر امیرحسین کیزوری
که با سهولت و سرعت بیشتر (بوروکراسی کمتر) در مقیاس با تاسیس ساختارهای دانشگاهی
قابل راه اندازی می باشند.

نتیجه گیری

نه تنها مباحث نظری و استدلال های مبتنی بر آن و اقتضائات «مساله های اجتماعی و معرفتی» از ضرورت حضور میان رشته ای ها دفاع می کند، بلکه اسناد بالا دستی جمهوری اسلامی ایران نیز به طور آشکار بر توسعه مطالعات و آموزش های میان رشته ای تاکید می کنند و استفاده از رویکرد میان رشته ای را الزام می کنند(سند قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، یکی از بنیادهای اصلی توسعه علمی مورد نظر جمهوری اسلامی(آنطور که در نقشه ی جامع علمی کشور نیز مطرح شده)، رویکرد میان رشته ای قلمداد شده است و این موضوع دارای دو بستر تحقق است: «مطالعات میان رشته ای» و «آموزش های میان رشته ای». پس آینده مطلوب کشور باحضور میان رشته ای ها ترسیم شده است. این آینده مطلوب هم به لحاظ بنیادهای نظری با تبیین میان رشته ای شکل گرفته است و هم به لحاظ علمی تحقق آن وابسته به حضور و عمل گسترده میان رشته ای هاست.

جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه و آرمان اصلی چشم انداز توسعه در افق ۱۴۰۴ ازسویی «توسعه یافته باجایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری درسطح منطقه» و ازسوی دیگر دارای «هویت اسلامی انقلابی الهام بخشی درجهان اسلام» خواهد بود. چنین وضعیتی با مساله های متعدد اجتماعی در ارتباط با توسعه یافتگی و با مساله های متعدد معرفتی در ارتباط با هویت اسلامی و انقلابی مواجه است. مساله هایی که حل آن نیازمند فعالیت های همکارانه متخصصان رشته های مختلف است. این نوع همکاری بربنیاد رویکرد میان رشته ای میسر می شود و از این جهت، آینده به ناچار باحرمت بیشتر بکارگیری گسترده تر رویکرد میان رشته ای همراه خواهد بود. این موضوع البته با دو تعدیل همراه خواهد شد که از نگاه دانشمندان علوم انسانی درباره ضرورت بهره گیری از علوم انسانی و علوم اسلامی پدید خواهد آمد. که یکی از بنیادهای اصلی پیشتازی جمهوری اسلامی در عرصه علوم انسانی خواهد بود. پس هم الگو پردازی برای جامعه مطلوب و هم حل مسائل واقعی حیات اجتماعی الزام برای بکارگیری میان رشته ای ها را گسترش خواهد داد و البته دستاوردهای بدیعی را به ارمغان خواهد آورد. در واقع حوزه میان رشته ای های علوم انسانی به عنوان یکی از محور های توسعه و تحول آموزش عالی ایران است که ورود به این عرصه که با توجه به قابلیت های تاریخی فکری و فرهنگی در برخی رشته ها امکان توسعه و پیشرفت را برای آموزش عالی و جامعه ی علمی ما در سطح جهانی فراهم می سازد. حوزه هایی مانند زبان و ادب فارسی و فلسفه اسلامی(با توجه به اینکه خاستگاه

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

آن ایران است) از این دست رشته ها به حساب می آیند. گرچه متقابلاً در بسیاری از رشته های آموزشی و حوزه های مطالعاتی رشد قابل توجهی در نظام های پیشرفته آموزشی در جهان اتفاق افتاده است که در نظام آموزش عالی ما اثری از آن به چشم نمی خورد. تعامل سازنده با محیط جهانی ایجاب می کند سیاست تاسیس در این قبیل رشته ها یا حوزه های مطالعاتی نیز با جدیت در دستور کار سیاستگذاران آموزش عالی قرار گیرد.

در این پژوهش سیاست هایی برای فهم و توسعه برنامه های میان رشته ای طراحی شد که نشان می دهد برای توسعه میان رشته ای باید میزان آمیختگی یعنی چند رشته ای بودن و میان رشته ای بودن و همچنین بین زیست بوم تحقق آن یعنی ایران و جهان، تمایز گذاشت. بر این اساس، برنامه ها و مطالعات جاری در ایران یا با آنچه در جهان جریان دارد انطباق دارد، یا از آن عقب افتاده و یا از آن فراتر رفته است. هم چنین، در این پژوهش آشکار شد که میان رشته ای بودن برنامه های درسی و مطالعات به عنوان یکی از ضرورت های آشکار پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و معرفتی پیچیده و حادث شونده در شرایط کنونی جهان، موضوعی است که نیازمند طی فرایند تحولی خاص است و برای تحقق آن از سویی باید مساله بنیاد عمل شود و از سوی دیگر هرگونه اقدام تاسیسی از چند رشته ای آغاز گردد. میان رشته ای های قدرت بنیاد گرچه دارای سابقه هستند، ولی ویژگی آنها «تبعیت و پیروی» است؛ موضوعی که اگر در ارتباط با قدرت سیاسی شکل گیرد، اغلب با نبود مطلق و اگر با قدرت علمی همراه گردد اغلب با نبود ارتباط ظهور می یابد. لذا بر اساس یافته های تحقیق می توان اصول زیر را به عنوان اصول توسعه میان رشته ای ها در آموزش عالی ایران مطرح نمود:

۱- میان رشته ای شدن درونزا، وضعیت مطلوب و آرمانی را نشان می دهد و این نوع از میان رشته ای است که می تواند مبنایی برای برنامه های آموزشی فراهم کند؛

۲- میان رشته ای درونزا یک پدیده وابسته به موقعیت است (یعنی ممکن است در موقعیتی که تولید دانش گسترده از اولویت برخوردار نیست، در یک مورد بتوان شاهد چنین وضعیتی بود)؛

۳- ظهور و استمرار حیات چندرشته ای ها، مساله محور است و تا مساله ها باقی اند، چندرشته ای مربوط هم استمرار دارد! هیچ امری به ایجاد میان رشته ای نمی انجامد؛

۴- مساله های زاینده میان رشته ای ها لزوماً مساله های موقعیتی ناپایدار نیستند و حتی مساله های اجتماعی گذرا نیز ممکن است خود منجر به شکل گیری مساله های معرفتی پایدار شوند؛

دکتر محمود مهرمحمدی، دکتر نعمت اله موسی پور، دکتر امیرحسین کیدوری

۵- در فرایند تحقق میان‌رشته‌گی، ابتدا مطالعه مساله‌محور ظهور می‌یابد، بعد برنامه آموزش چندرشته‌ای شکل می‌گیرد و در نهایت یک میان‌رشته‌ای تحقق می‌یابد؛

۶- میان‌رشته‌ای‌های برون‌زا دارای قابلیت برنامه‌های مطالعاتی هستند نه برنامه‌های آموزشی. بنابراین، جهت آموزش، تنها این امکان وجود دارد که از چندرشته‌ای‌ها آغاز کرد؛

۷- در توسعه میان‌رشته‌ای‌ها، نقش پیشتازی درون‌زا از طریق تمرکز بر میان‌رشته‌ای‌های خودی قابل ایفاست و نقش پاسخگویی اثربخش از طریق تمرکز بر میان‌رشته‌ای‌های بین‌المللی؛

۸- در توسعه میان‌رشته‌ای‌ها، همواره لازم است به سابقه عمل بدان‌ها، با هر نام و نشانی، عنایت داشت و بین تثبیت و تحکیم رشته‌های موجود و تاسیس رشته‌های جدید تمایز گذاشت؛

۹- میان‌رشته‌گی لزوماً به تولید دانش منجر نمی‌شود و گاه ارزش میان‌رشته‌ای به کاربست دانش‌های موجود در ترکیبی متفاوت برای حل مساله‌ای اجتماعی است؛

۱۰- اقتباس آگاهانه از ضروریات میان‌رشته‌گی است؛ اما در بستری از فرصت و تامل. فعالیت‌های گذرا و سریع صرفاً منجر به چندرشته‌گی آشفته می‌شود، نه میان‌رشته‌گی مولد که حاصل عنایت قابل توجه به موضوعات و امور پژوهشی است که فرهنگ را تشکیل می‌دهند؛

منابع:

سند قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴). مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹

علوی پور، محسن (۱۳۸۷) *مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای*. تهران پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

کلاین، جولی تامسون (۱۳۸۹). *فرهنگ میان رشته‌ای در آموزش عالی*. ترجمه هدایت الله اعتمادی زاده و نعمت اله موسی پور. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کیدوری، امیر حسین و علم الهدی، جمیله (۱۳۸۸) واکاوی برنامه‌های درسی میان رشته‌ای دانشگاهی؛ موانع و پیش نیازها. *نهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران*. برنامه درسی آموزش عالی در ایران چالش‌ها و چشم‌اندازها. ۲۸ و ۲۹ مهر ۱۳۸۸. دانشگاه تبریز.

1 informed borrowing

2 surfing and zapping

3 muddled multidisciplinary

4 productive interdisciplinarity

تاملی بر گزینه های سیاستی توسعه برنامه های...

مورن، جو (۱۳۸۷). **میان رشتگی**. ترجمه داود حاتمی. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مهر محمدی، محمود؛ موسی پور، نعمت الله و کیدوری، امیر حسین (۱۳۹۱). **ظرفیت های بین رشتگی رشته های علوم انسانی**. گزارش طرح پژوهشی منتشر نشده. تهران، معاونت علمی و پژوهشی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.

مهر محمدی، محمود (۱۳۸۸). ملاحظات اساسی در باب سیاستگذاری توسعه علوم میان رشته ای در آموزش عالی از منظر فرایند تکوین. **مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی**. سال اول شماره ۳: ۱۸-۱.

یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). دانشگاه سازگار شونده. در: **رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی**. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Augsburg, T., and Henry, S. Eds. (2009). **The Politics of Interdisciplinary Studies: Essays on Transformations in American Undergraduate Programs**. Jefferson, N.C.: McFarland.

Dreachslin, J.L. (1996), **Diversity Leadership**, Health Administration Press, Chicago, IL.

Klein J. T and Newell W. H. (1997). Advancing Interdisciplinary Studies. In J. G. Gaff and J. L. Ratcliff (eds.), **Handbook of the Undergraduate Curriculum: A Comprehensive Guide to Purposes, Structures, Practices, and Change**. San Francisco: Jossey-Bass.

Klein, J. T. (1990). **Interdisciplinarity: History, Theory, and Practice**. Detroit: Wayne State University Press.

Klein, J. T. (2010). **Creating Interdisciplinary Campus Cultures: A Model for Strength and Sustainability**. San Francisco: Jossey-Bass.

Kruger, R.A. (1994). **Focus Group: A Practical Guide for Applied Research**, Sage, Thousand Oaks, CA.

Newell, H. W. (2001). A Theory of Interdisciplinary Studies. **Issues in Integrative Studies**. No. 19, 1-25

Szostak, R. (2003). Comprehensive curricular Reform: Providing Student with A Map of the Scholarly Enterprise. **The Journal of General Education**, Vol. 52, No. 1

Szostak, R. (2009). The Office of Interdisciplinary Studies in the Faculty of Arts at the University of Alberta. In T. Augsburg and S. Henry. (Eds), **the Politics of Interdisciplinary Studies: Essays on Transformations in American Undergraduate Programs**. Jefferson, N.C.: McFarland.

Tashakkori, A., & Teddlie, C. (1998). **Mixed methodology combining qualitative and quantitative approaches**. Thousand Oaks, CA: Sage.